

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه بیست پنجم

بهشت ولایت

موضوعی که در دنبال بحث‌های گذشته در زمینه ولایت قابل تذکر دادن هست؛ اولاً یک معرفی اجمالی از جامعه دارای ولایت و فرد دارای ولایت است. ثانیاً یک نقش دورنمایی از جامعه‌ای که در آن جامعه، ولایت وجود دارد، چگونه جامعه‌ای است؟

عده‌ای خیال می‌کنند که دارای ولایت بودن یک آدم به این است که آدم توی مجالس اهل بیت گریه کند فقط، خیال می‌کنند که دارای ولایت بودن به این است که وقتی اسم اهل بیت علیهم السلام می‌آید، علیهم السلام را بگوید پشت سرش حتماً، فقط همین و بس! خیال می‌کنند که دارای ولایت بودن به این است که محبت اهل بیت در دل انسان باشد، همین و بس! بله محبت اهل بیت را داشتن واجب و فرض است، نام این بزرگواران را با عظمت بردن بسیار جالب و لازم است، به نام این‌ها مجلس به پا کردن و از عزا و شادی آن‌ها درس گرفتن، عزای آن‌ها را گفتن، شادی آن‌ها را گفتن، گریستن بر بزرگواری‌های آن‌ها، بر شهامت‌های آن‌ها، بر مظلومیت‌های آن‌ها، همه این‌ها لازم است، اما همه این‌ها ولایت نیست!

ولایت در یک انسان به معنای وابستگی فکری و عملی هر چه بیشتر و روز افزون‌تر با ولی است. ولی را پیدا کن، ولی خدا را بشناس. آن کسی که او ولی حقانی جامعه اسلامی ست، او را مشخص کن، بعد از آنی که مشخص کردی، شخصاً از لحاظ فکر، از لحاظ عمل، از لحاظ روحیات، از لحاظ راه و رسم و روش خودت را به او متصل کن، مرتبط کن، دنبالش راه بیافت، حرکت بکن، تلاش تو تلاش او، جهاد تو جهاد او، دوستی تو دوستی او، دشمنی تو دشمنی او، جبهه‌بندی‌های تو جبهه‌بندی‌های او باشد؛ تو دارای ولایتی، تو دارای ولایتی. دو کلمه آسان!

و اما ولایت یک جامعه به چیست؟ ولایت یک جامعه به این است که ولی در آن جامعه اولاً مشخص باشد. بدانم که این است ولی این یک، ثانیاً منشاء و الهام بخش همه نیروها، نشاطها، فعالیت‌های آن جامعه باشد. هر وقتی که امام در جامعه حکومت می‌کند؛ آن وقتی که امام منشاء امر و نهی در جامعه می‌شود، آن وقتی که همه رشته‌ها از امام ناشی می‌شود، آن وقتی که امام دارد عملاً جامعه را اداره می‌کند، آن وقتی که پرچم جنگ را امام می‌بندد، آن وقتی که فرمان حمله را امام می‌دهد، آن وقتی که قرارداد صلح را امام می‌نویسد، آن وقت جامعه، جامعه دارای ولایت است و در غیر این صورت جامعه دارای ولایت نیست! این هم جامعه دارای ولایت.

حالا اگر دارید شکر خدا بکنید؛ اگر ندارید دنبالش راه بیافتید. سعی کنید که علی و علی‌وار زندگی کنید. سعی کنیم که دنبال علی راه بیافتیم. سعی کنیم که میان خودمان و علی که ولی خداست پیوند برقرار کنیم. این‌ها کوشش دارد، تلاش دارد، مجاهدت دارد، خون دل خوردن دارد. و بگویم به شما که ائمه هدی علیهم‌السلام بعد از شهادت امیرالمومنین یکسره در راه ولایت کوشیدند. یکسره! تمام تلاش ائمه برای این بوده است که ولایت را زنده کنند، جامعه اسلامی را احیا کنند، این نهالی را که به نام انسان در این مزرع، در این باغستان، در این نهالستان غرس شده، با آب گوارای جان بخش حیات آفرین ولایت، زنده و سرسبز و بالنده کنند. این تلاش ائمه بود از راهش، با شکل لازم.

آن وقت اگر جامعه‌ای دارای ولایت شد، اگر جامعه‌ای دارای ولایت شد؛ چه می‌شود؟ خوب است یک کلمه بگویم مرده‌ای است که دارای جان خواهد شد! این مثل را شما بگذارید در مقام فهمیدن اهمیت ولایت در یک جامعه‌ای مقابل چشمتان. مرده را بردار بپیکر مرده انسان، یک جامعه انسانی را بگذار سر جایش، روح را بردار، ولایت بگذار سر جایش، جامعه‌ای که ولایت ندارد، استعدادها در این جامعه هست اما یا خنثی می‌شود و هدر می‌رود نابود می‌شود، هرز می‌شود و یا بدتر، به زیان انسان به کار می‌افتد! مغز دارد و می‌اندیشد اما می‌اندیشد برای فساد آفرینی، می‌اندیشد برای انسان‌کشی، می‌اندیشد برای عالم‌سوزی، می‌اندیشد در راه بدبخت کردن انسانها، می‌اندیشد برای محکم کردن پایه‌های استثمار و ظلم و استبداد. چشم دارد انسان اما آنچه باید ببیند نمی‌بیند و آنچه باید نبیند می‌بیند! گوش دارد اما سخن حق را نمی‌شنود! اعصاب سخن حق را به مغز نمی‌رساند! مغز فرمانی بر طبق حق به جوارح و اعضا نمی‌دهد! جوارح و اعضا عملی بر طبق حق در عالم انجام نمی‌دهند! شرایط عالم اجازه کار بر طبق حق به انسان نمی‌دهند! این جامعه بی‌ولایت است.

جامعه دارای ولایت جامعه‌ای می‌شود که تمام استعدادهای انسانی را رشد می‌دهد. همه چیزهایی که برای کمال و تعالی انسان خدا به او داده این‌ها را بارور می‌کند. نهال انسانی را بالنده می‌سازد. انسان‌ها را به تکامل می‌رساند. انسانیت‌ها را تقویت می‌کند. در این جامعه ولی یعنی حاکم، همان کسی که همه سررشته‌ها به او برمی‌گردد، جامعه را از لحاظ مشی عمومی در راه خدا و دارای ذکر خدا می‌کند. از لحاظ ثروت تقسیم عادلانه ثروت به وجود می‌آورد. سعی می‌کند نیکی‌ها را اشاعه بدهد. سعی می‌کند بدی‌ها را محو و ریشه‌سوز کند.

پایان

تهیه شده در طرح تبیین منظومه فکری رهبری